

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

برای از تو نوشتن به سجد می افتم
قلم قیام کند، من به سجد می افتم
طنین اِقْرَاءِ تو در حرای جان پیچید
در این دقایق روشن به سجد می افتم
شبهه برگ خزان در هوا معلق ام و
میان کوچه و برزن به سجد می افتم
برای جلب نگاهی که خوب می بیند
به استغاثه و شیون به سجد می افتم
مرا به آتش دوریت مبتلا نکنی
منی که دست به دامن به سجد می افتم